

# استادانه

محتوای خوب از ما، نهره خوب برای شما

خلاصه کتاب با هم بیندیشیم ۱ اندیشه اسلامی ۱ پرسش محور

جمعی از نویسندگان

**دوست عزیزم، خریدار محترم و خواننده گرامی**

از اینکه این فایل رو خریداری کردی و داری ازش استفاده میکنی متشکرم، اما اگه بدون اینکه فایل رو خریداری کنی ازش استفاده میکنی اینو بدون که استادانه برای این فایل خیلی زحمت کشیده و اونو به صورت اختصاصی تولید کرده نه مثل خیلی از سایتها از دیگران کپی کنه برای همین اصلا راضی نیست ازش استفاده کنی!

**اگه دوست داری ازش استفاده کنی همین الان به سایت استادانه به آدرس زیر برو و مبلغش رو پرداخت کن و با خیال راحت ازش استفاده کن، کافیه اسم فایل رو داخل سایت سرچ کنی و اونو بخری**

[www.OSTADANEH.com](http://www.OSTADANEH.com)



توجه توجه

## فهرست مطالب

- ۳..... انسان و ایمان (بخش اول)
- ۳..... پرسش ۱\_ چرا ایمان؟ مومنان چه چیزی دارند که دیگران ندارند؟
- ۴..... پرسش ۲\_ رابطه ایمان با عمل چگونه است؟ آیا می شود بدون عمل دل پاک و ایمانی قوی داشت؟
- ۶..... پرسش ۳\_ خدایا چرا ما انسان ها را محدود می کنی؟
- ۷..... پرسش ۴\_ اگر خدا را قبول داشته باشیم ولی دین خاصی نداشته باشیم راحت تر نیست؟
- ۸..... پرسش ۵\_ با این همه تفسیر و برداشت که از دین هست، من چطور دینی داشته باشم؟
- ۹..... پرسش ۶\_ عالم غیب را که ندیدم چطور ثابت کنیم؟
- ۱۰..... بخش دوم: خدا و صفات خدا.....
- ۱۰..... پرسش ۷\_ خدایا تو ما را آفریدی یا ما به خاطر ترس از بلاها تو را آفریدیم؟
- ۱۱..... پرسش ۸\_ داروین درست می گوید یا خدای متعال؟
- ۱۲..... پرسش ۹\_ چرا خدا به علت نیازی دارد؟
- ۱۳..... پرسش ۱۰\_ مگر مقدار ماده و انرژی جهان ثابت نیست؟ مگر انرژی و ماده به هم تبدیل نمی شوند؟
- ۱۴..... پرسش ۱۱\_ نظریه بیگ بنگ چه ربطی دارد به اعتقاد به وجود خدا؟
- ۱۶..... پرسش ۱۲\_ شناخت خداوند یعنی چه؟ آیا می توان خداوند را آنگونه که هست شناخت؟
- ۱۷..... پرسش ۱۳\_ چرا باید خدا را بشناسیم؟ شناختن خدا چه نقشی در زندگی من دارد؟
- ۱۸..... پرسش ۱۴\_ وقتی همه چیز در دنیا مادی است پس خدا چه نقشی دارد؟

- بخش سوم: توحید الهی ..... ۱۹
- پرسش ۱۵- از کجا بدانیم خدا یکی است؟ ..... ۱۹
- پرسش ۱۶- از کجا بدانیم که توحید حقیقی چیست و چه نقشی در زندگی ما دارد؟ ..... ۲۱
- پرسش ۱۷- مگر قرآن نفرموده که جز خدا کسی دیگر را صدا نزنید؟ پس توسل به ائمه آیا شرک است؟ ..... ۲۳
- پرسش ۱۸- ای خدای بی نیاز چرا ما را آفریدی؟ ..... ۲۵
- پرسش ۱۹- از کجا بدانیم که اختیار داریم؟ ..... ۲۶
- پرسش ۲۰- اگر خدا می داند که ما چه کارهایی خواهیم کرد، پس چطور اختیارمان دست خودمان است؟ ..... ۲۷
- پرسش ۲۱- وقتی قضا و قدر سرنوشتمان را از پیش تعیین کرده، چه طور ما اختیار داریم؟ ..... ۲۸
- پرسش ۲۲- خدا چطور عدالت دارد؟ ..... ۲۹
- پرسش ۲۳- من نمی خواستم به دنیا بیایم. چرا خدا ما را بدون رضایتمان آفریده است؟ ..... ۳۰
- پرسش ۲۴- خدا که می داند کسی کافر و جهنمی خواهد شد چرا او را می آفریند؟ ..... ۳۱
- بخش پنجم: عدل الهی ..... ۳۲
- پرسش ۲۵- خدایی که عادل است چرا انسان ها را یکسان نیافریده؟ ..... ۳۲
- پرسش ۲۶- وقتی کسی به خاطر تولد در خانواده فقیر خلافتار می شود آیا این باعدالت خداسازگار است؟ ..... ۳۴
- بخش ششم: حکمت افعال الهی ..... ۳۵
- پرسش ۲۷- خدای بی نیاز چه نیازی به عبادت و نماز ما دارد؟ ..... ۳۵
- پرسش ۲۸- خدایا چرا شیطان را آفریدی؟ ..... ۳۷
- بخش هفتم: معاد ..... ۳۸
- پرسش ۲۹- علوم تجربی می گویند که همه فعالیت های فکری در مغز است، پس روح چه کاره است؟ ..... ۳۸
- پرسش ۳۰- چرا خدا باید انسان ها را امتحان کند و بعد به بهشت و جهنم ببرد؟ این کار چه حکمتی دارد؟ ..... ۴۰
- پرسش ۳۱- ای خدایی که همه چیز را می دانی چرا ما را آفریدی تا امتحان کنی؟ ..... ۴۱
- پرسش ۳۲- تناسخ چیست؟ آیا حقیقت دارد؟ ..... ۴۲
- پرسش ۳۳- عالم برزخ چه عالمی است؟ ..... ۴۴
- بخش هشتم: قیامت ..... ۴۵
- پرسش ۳۴- ای خدای مهربان چرا در قرآن این همه سخن از عذاب است؟ ..... ۴۵
- پرسش ۳۵- آیا این عادلانه است که گناه موقتی عذاب دائمی دارد؟ ..... ۴۶
- پرسش ۳۶- آیا فقط بهشت برای مسلمانان است و تمامی غیر مسلمانان که حتی برخی انسان های خوبی هم هستند و خدماتی داشته اند به جهنم می روند؟ ..... ۴۷
- پرسش ۳۷- چرا خداوند پاداش و جزای اعمال را در همین دنیا قرار نداده است؟ ..... ۴۸
- پرسش ۳۸- چرا خداوند شراب و دیگر لذت های حرام را مزد و پاداش بهشتیان قرار داده است؟ ..... ۴۹
- پرسش ۳۹- مجازات و سوختن ظالم در آخرت به چه درد مظلوم می خورد؟ ..... ۵۰
- پرسش ۴۰- آیا بهشت ابدی خسته کننده و یکنواخت نخواهد بود؟ ..... ۵۱

### پرسش ۱- چرا ایمان؟ مومنان چه چیزی دارند که دیگران ندارند؟

پاسخ: ضرورت ایمان به شناخت انسان و معنای زندگی برمی گردد.

#### نکته اول: شناخت انسان

قرآن کریم همه انسان ها را در حال خسران می داند: والعصر ان الانسان لفي خسر. انسان در هر حال در حال بر باد دادن هستی خود است. هر عملی که بدون شناخت انسان و حقیقت او انجام بگیرد، ممکن است درست در مقابل مصلحت او باشد. امام علی (ع) در این باره می فرمایند: هر که خود را شناخت از راه نجات دور افتاد و در وادی گمراهی و نادانی قدم نهاده.

#### نکته دوم: حقیقت و معنای زندگی

شناخت نادرست انسان از خویشتن موجب می شود که حیات را در همین زندگی دنیوی خلاصه کند. قرآن کریم درباره این انسان ها می فرماید:

قل هل ننبئکم بالآخسرین اعمالا. الذین ضل سعیرهم فی الحیوه الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا.

این امر نشان می دهد شناخت نادرست از انسان، جهان و منحصر کردن او در این جسم مادی در علوم انسانی و اجتماعی چه فاجعه ای به بار می آورد. از این جهت بزرگترین جهل، جهل انسان نسبت به خویش است. شناخت نفس اساس و زیربنای شناخت انسان نسبت به دیگر حقایق است.

#### نکته سوم: تغییر بنیادین در رفتارها و سبک زندگی

نتیجه این شناخت مبتنی بر ایمان تمام زندگی و خط سیر انسان را عوض می کند. بخشی از آن در رفتار بروز می کند و نتیجه این می شود که مصلحت انسان نه آنگونه که مکاتب بشری در پیروی از لذت ها و تمایلات دانسته اند بلکه در مبارزه و جهاد با زیاده خواهی های نفسانی است.

#### نکته چهارم: آثار ایمان

شناخت درست ثمراتی را به دنبال خواهد داشت که به دو بخش اخروی و دنیوی تقسیم می شود.

## پرسش ۲- رابطه ایمان با عمل چگونه است؟ آیا می‌شود بدون عمل دل پاک و ایمانی قوی داشت؟

پاسخ:

### نکته اول:

انسان گاهی نمی‌تواند جلوی تمایلاتش را بگیرد از این جهت برای رهایی از عذاب وجدان ناشی از ارتکاب این رفتارها به جای این که عملش را اصلاح کند، اعتقادش را تغییر می‌دهد. از این جهت و برای پیروی از تمایلات، خواسته و ناخواسته بدین سمت و سو گام برمی‌دارد که عمل مهم نیست و آنچه اهمیت دارد اصل ایمان و دل پاک است.

### نکته دوم:

ایمان با علم متفاوت است. علم یعنی دانستن اما انسان می‌تواند از سر لجاجت امر درست را انکار کند در حالی که ایمان یعنی پذیرفتن و دل سپردن. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: و جحدوا بها واستیقنتها انفسهم ظلما و علوا .

بنابراین کسی که ایمان دارد باید ایمان در عمل و رفتارش بروز داشته باشد و خودش را نشان دهد.

### نکته سوم:

عمل، ذات انسان را تغییر می‌دهد. نادیده گرفتن عذاب وجدان‌ها و پیروی مکرر از تمایلات موجب کمرنگ تر شدن اخطارهای عذاب وجدان می‌شود و درنهایت انسان را به جنایت کار تبدیل می‌کند. ایمان امر یکسانی نیست بلکه دارای درجات و مراتب است. عمل نقش بی‌بدیلی در تقویت ایمان دارد. قرآن کریم گناه را کفر و مسخره کردن آیات می‌داند: ثم کان عاقبه الذین اسأوا السوای ان کذبوا بأیات الله و کانوا بها یستهزون.

ایمان استدلالی نقطه آغاز حرکت است نه نقطه پایان.

### نکته چهارم:

عمل به آن بخش از دین که مطابق با خواست و اراده خود انسان است نشانه ایمان نیست چراکه از دین هم به این امور امر نکرده بود ما آنها را انجام می‌دادیم.

عیار سنجش ایمان واقعی، عمل به دستوراتی است که خلاف اراده ماست. این که انسان بخشهایی از دین را که می‌پسندد عمل کند و از عمل بخش‌هایی که نمی‌پسندد سر باز بزند، خود پرستی است نه خداپرستی.

قرآن کریم اکثر کسانی که ایمان آورده اند را مشرک می‌داند:

و ما یومن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون.

این که به خاطر خدا روی دل پا بگذارد، مقام تسلیم است و انتهای مرتبه ایمان نیست. انسان باید از آن نیز فراتر برود. حقیقت ایمان این است که انسان در عین اینکه به حکم الهی عمل می‌کند حتی در دل هم احساس سختی نکند.

## پرسش ۳- خدایا چرا ما انسان ها را محدود می کنی؟ خدایا چرا تمایلاتی را که خودت در انسان آفریدی آزاد نمی گذاری؟

پاسخ:

### نکته اول: اصل تمایلات ضروری است.

خداوند هیچ تمایل بدی در درون انسان قرار نداده است. تمام تمایلاتی که در درون انسان وجود دارد لازمه زندگی اوست. دین حق هرگز به سرکوب این تمایلات توصیه نمی کند چون معنا ندارد دینی که از جانب خالق آمده است با نوع آفرینش خالق در تضاد باشد. آنچه اسلام بر آن تاکید می کند افراط در ارضای تمایلات است نه پیروی از اصل این تمایلات.

### نکته دوم: دین صلاح تو را می خواهد، نمی خواهد محدودت کند.

محدود کردن انسان ها هرگز در نگاه دین اصالت و موضوعیت ندارد بلکه مصلحت است؛ یعنی اسلام در جایی که تمایل و لذت از دنیا مفسده و ضرری نداشته باشد با آن مخالفت نمی کند. وظیفه دین این است که مردم را از آنچه بر خلاف مصلحت انسان است آگاه کند.

### نکته سوم: با تمایلات افراطی مبارزه کن تا رشد کنی.

تمایلات دنیوی انسان در عین اینکه لازمه زندگی دنیوی هستند، به شدت در ارتقای روحی و معنوی انسان نقش دارند. مبارزه با تمایلات افراطی تنها راهی است که انسان را از نظر روحی رشد میدهد.

قرآن کریم به این نکته اشاره دارد: ان مع العسر يسرا.

بنابراین اگر کسی را از کاری که به آن میل ندارد نهی کنند، هیچ تاثیری در رشد و تکامل او ندارد. نهی باید از یک میل باشد تا مبارزه معنا پیدا کند.

بزرگترین دشمن انسان نفس اوست چون نفس انسان را به جای مبارزه به پیروی از این تمایلات دعوت می کند: اعدی اعدی عدوک نفسک التی بین جنبیک.

پرسش ۴\_ اگر خدا را قبول داشته باشیم ولی دین خاصی نداشته باشیم راحت تر نیست؟

پاسخ: یکی از عوامل عمده شکل گیری چنین شبهه‌هایی فراز از مسئولیت و آزادی طلبی است زیرا انسان به خدا نیاز دارد و دین محدودیت‌هایی است که از جانب خدا آمده است.

## نکته اول:

دین در تعریف عام خود یعنی مجموعه‌ای از باورها و رفتارها که طبق این تعریف همه ادیان آسمانی و غیر آسمانی را شامل می‌شود. در نگاه عام انسانی وجود ندارد که دین دار نباشد. قرآن کریم حتی کفر و شرک را هم دین دانسته: لکم دینکم ولی دین.

## نکته دوم:

دین به معنای خاص همان دین آسمانی است. یعنی اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید. اگر خداوند حکیم است، طبیعتاً انسان را هدفمند آفریده است.



پرسش ۵\_ با این همه تفسیر و برداشت که از دین هست، من چطور دینی داشته باشم؟

پاسخ:

**نکته اول:**

گاهی برداشت های دینی متعدد به این خاطر مطرح می شود که دین امری درونی و تجربه شخصی دانسته شود. چندین نگرشی در صورتی صحیح است که انسان به دین خاصی معتقد نباشد. تجربه های شخصی اگرچه بخشی از دین هستند اما اینکه دین در آن خلاصه شود صحیح نیست.

**نکته دوم:**

اگر دین را امری بیرونی بدانیم که بر انسان نازل شده باشد، دیگر نمی توان به برداشت های متعدد معتقد شد که همگی صحیح باشند چراکه این برخلاف حکمت خدا در اصل دین است و در چنین فرضی اصلا دین معنا ندارد.

برداشتها و تفاسیر متعدد از دین در صورتی پذیرفتنی است که برداشت ها طولی باشد که تضادی بین آنها نیست و فقط عمق برداشت متفاوت است. برداشت های ذوقی از دین هرگز مورد پذیرش خداوند نخواهد بود و انسان مکلف است برداشت و تفسیر صحیح از دین را که طبق قواعد فهم به دست آورده پیروی کند.



## پرسش ۶- عالم غیب را که ندیدم چطور ثابت کنیم؟

پاسخ:عالم غیب به معنای بخشی از صحنه هستی است که قابل ادراک با حواس ظاهری نبوده و در تعبیر قرآنی در مقابل عالم شهادت قرار می‌گیرد. در هستی شناسی قرآنی عالم وجود به دو بخش عالم شهود و غیب تقسیم می‌شود. عالم غیب عالمی فراطبیعی و فرامادی است که عالم آخرت می‌تواند بخشی از آن باشد. اعتقاد به عالم زیربنای فکری اساسی برای انسان است که نقش اساسی در سایر اعتقادات و رفتارهای او دارد. قبول نداشتن جهان آخرت، آغاز انحطاط و سقوط او خواهد بود.

### نکته اول:

بشر هیچ دلیلی بر انکار عالم غیب ندارد جز اینکه می‌گوید قابل حس و تجربه نیست. اینکه بشر خواسته حقایق غیبی را با حواس ظاهری درک کند، منشا بسیاری از بی‌ایمانی‌ها شده است: لن نومن لک حتی نری الله جهره

### نکته دوم: دلایل اثبات عالم غیب:

#### الف) دلایل دینی:

آیات و احادیث متعددی بر وجود عالم غیب دلالت دارد. آیاتی مانند: عالم الغیب و الشهاده. در بعضی آیات نیز به برخی مصادیق غیب مانند روح، ملائکه، وحی، حیات پس از مرگ و ... اشاره می‌شود که دلالت بر عالم غیب دارد.

#### ب) دلایل عقلی:

در اثبات وجود خدا برهان‌هایی مانند امکان و وجوب که واجب الوجودی را اثبات می‌کنند که نمی‌تواند مادی و محدود باشد، در اثبات معاد که جهان غیبی ماورای عالم ماده را اثبات می‌کند یا براهین اثبات نفس و روح همگی از دلایل اثبات عالم غیب هستند.

#### ج) دلایل تجربی:

عالم غیب از عوالم فراحسی است و نمیتوان آن را با حواس ظاهری حس کرد اما به صورت غیر مستقیم شدنی است. با تجربیاتی از جمله رویای صادقانه، تجربه‌های نزدیک به مرگ و ... می‌توان وجود آن را پذیرفت.